

عملکرد انجمن‌های علمی در زمینه‌ی ترویج و توسعه‌ی علم و اخلاق

محمد عبداللهی

بررسی عملکرد انجمن‌های علمی در نظام علمی و تحقیقاتی کشور موضوع اصلی این مقاله است. منظور از انجمن علمی نوعی نهاد مستقل است که از به هم پیوستن یا اجتماع آگاهانه و داوطلبانه‌ی اصحاب یک رشته‌ی علمی پدید می‌آید تا از طریق تعامل آزاد، خردمندانه و به دور از سلطه، بتواند بین صاحبان هر تخصص زمینه‌ی لازم را برای پیشبرد علم و تنظیم و ترویج اصول و قواعد عمل جمعی یا اخلاق کار و فعالیت و پیوند علم و عمل در آن رشته‌ی علمی فراهم نماید. هدف این مقاله تشریح فرایند تاریخی تحول نهادهای مستقل از دولت و دیدگاه‌های مرتبط با آن‌ها، توصیف و تحلیل وضعیت موجود و عملکرد انجمن‌های علمی در نظام علمی و تحقیقاتی کشور و ترسیم وضعیت مطلوب آن‌ها و ارزیابی مقدرات و محدودیت‌هایی است که این انجمن‌ها در گذر از وضع موجود به مطلوب و ارتقاء عملکرد خود با آن‌ها روبرو هستند.

انجمن‌های علمی زیربنای اصلی نهادهای مستقلی^۱ را تشکیل می‌دهند که اغلب آن‌ها فراتر از حدود مرز سیاسی، نژادی، قومی، مذهبی، جنسی و غیره، بر اساس ضرورت‌های جهان دموکراتیک و تقویت همبستگی‌های معنوی بشر، پدید آمده‌اند و فضای مناسبی را برای اندیشه‌های انتقادی آزاد و استقرار فرهنگ گفت‌وگو در راستای بسط و تحکیم جامعه‌ی مدنی حول محور خردورزی، تعهد، وفاق، آزادی و عدالت به ارمغان آورده‌اند. در اروپا بخش عمده‌ی

1. Non Governmental Organizations (NGOs).

این نهادها متعاقب رنسانس، انقلاب صنعتی و تحولات اجتماعی و در دوره‌ی گذر از جوامع سنتی به نوین پدید آمده‌اند (اروین، ۱۹۹۵: ۱۳۶). فلاسفه، متفکران و اندیشمندان اجتماعی و صاحب‌نظران رشته‌های علمی در توجیه و تشریح این نهادها و ایجاد زمینه‌های فکری و فرهنگی لازم برای پیدایش و رشد آن‌ها نقش ارزنده‌ای ایفا نموده‌اند.

بین فرایند پیدایش و تحول نهادهای مدنی و دیدگاه‌های مرتبط با آن‌ها همبستگی قابل توجهی وجود دارد. به‌طوری که همزمان با رشد جنبش‌های بورژوازی علیه فئودالیسم و پیدایش نهادهای مستقل مبتنی بر آزادی و مسئولیت فردی و مقابله‌ی آن‌ها با سلطه‌ی سیاسی و نظامی فئودالیسم ایده‌ی جامعه‌ی مدنی مورد توجه کسانی چون لاک، کانت، هگل، توکویل و... قرار گرفت. ولی در این دوره مفهوم جامعه‌ی مدنی و نهادهای مستقل از دولت با بار ارزشی و اخلاقی خاصی به کار رفت و به قول الکساندر^۱ منبع و منشأ اغلب ارزش‌های مطلوب آن زمان چون آزادی، فردیت، اعتماد، همیاری و غیره تلقی می‌شد (الکساندر، ۱۹۹۸: ۳).

پس از استقرار، نهادمندی و توسعه‌ی نظام سرمایه‌داری و پیدایش مسایل مربوط به آن از جمله نابرابری‌ها، فقر، بیکاری و آسیب‌های اجتماعی و رشد جنبش‌های ضد سرمایه‌داری دیدگاه‌های خوش‌بینانه ناظر به جامعه‌ی مدنی مورد پرسش قرار گرفتند. کسانی چون مارکس در قالب مبانی نظری خود از مبارزات طبقاتی و انقلاب با عمده کردن نقش عواملی چون رشد نیروهای مولد و روابط تولیدی به عنوان زیربنا دولت و نهادهای مدنی جامعه‌ی سرمایه‌داری را عواملی روبنایی تلقی می‌نمود که با رشد مبارزات طبقاتی و انقلاب و حاکمیت پرولتاریا و تحقق عدالت اجتماعی برای همگان ضرورت وجودی آن‌ها منتفی خواهد شد. ولی پس از استقرار نظام سوسیالیسم و به‌ویژه متعاقب بروز مسایل و تحولات اخیر در این نوع کشورها دیدگاه‌های بدبینانه مربوط به جامعه‌ی مدنی نیز همانند دیدگاه‌های خوشبینانه ناظر بر آن زیر سؤال رفتند.

به‌طوری که در جامعه‌شناسی امروزی کسانی چون الکساندر، ریس^۲، رنیگر^۳، دیاز^۴ و غیره تلاش کرده‌اند ضمن زدایش بار ارزشی مفهوم جامعه‌ی مدنی به تدقیق این مفهوم و تعیین حد و مرز آن با سایر واقعیت‌ها و مفاهیم مربوط به حیات اجتماعی حرکت نمایند (الکساندر، ۱۹۸۸).

تحول فکری فوق با سایر تحولات اجتماعی مرتبط است. امروز با سلطه‌ی پارادایم

1. J. Alexander

2. Reis

3. Roniger

4. Diaz

نولیبرالیسم و تسریع روند جهانی شدن و گسترش روزافزون شرکت‌های فراملیتی^۱ مواجهیم. این شرکت‌ها با تطمیع و دور زدن دولت‌های محلی، بدون رعایت اصول و قواعد اخلاقی، به بهره‌برداری از منابع پرداخته و مسایل زیست محیطی خطرناکی چون نازک شدن لایه‌ی اوزون، تغییرات جوی و تخریب منابع را تشدید نموده‌اند. مردم جهان با بدبینی به عملکرد دولت‌ها و شرکت‌ها در صدد پدید آوردن تشکلهای نوینی هستند که از طریق آنها بتوانند ضمن مقابله با نفوذ روزافزون دولت‌ها و شرکت‌های فراملیتی و سایر عوامل تهدیدکننده‌ی حوزه‌ی عمومی زندگی روزمره، در فرایند توسعه‌ی حیات اجتماعی خود مؤثر واقع شوند. این مسئله پس از کنفرانس ریو در سال ۱۹۹۲ و متعاقب گردهمایی نمایندگان ۹۰۰۰ سازمان از ۱۷۱ کشور که بحث توسعه‌ی پایدار^۲ را مطرح کردند و مورد تأکید قرار دادند بیش‌تر مورد توجه قرار گرفت. به طوری که نهادهای مستقل به عنوان فرزند مطبوع مشارکت مردمی و گلوله‌ی سحرآمیز که به هدف توسعه خواهد رسید مورد توجه واقع شد. به همین جهت، زمینه برای شکل‌گیری و گسترش انواع نهادهای مستقل علمی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و زیست محیطی بیش از پیش فراهم شده است. امروز صدها هزار نهاد مستقل با بیش از یک میلیارد عضو وجود دارد که برخی از آنها مثل صلح سبز^۳ یا دوستداران زمین^۴ جزو قوی‌ترین نهادهای مستقل بین‌المللی به شمار می‌روند که دولت‌های محلی و شرکت‌های فراملیتی را تحت تأثیر قرار داده و در مسئولیت‌پذیر کردن آنها مؤثر واقع شده‌اند (فابیگ^۵، ۱۹۹۹: ۵۸). مسایل و شرایط امروزی جهان زمینه‌ی مساعدی را برای شکل‌گیری، تعریض و تحکیم نهادهای مستقل فراهم آورده است. می‌توان گفت نهادهای مستقل اساسی‌ترین، قوی‌ترین و مؤثرترین نهادهای آینده‌ی حیات اجتماعی انسان را تشکیل خواهند داد.

آثار چنین پدیده‌ای، جوامع پیرامونی یا در حال توسعه، از جمله جامعه‌ی ایران را نیز در بر گرفته است. این جوامع تحت تأثیر شرایط، عوامل تاریخی، وابستگی‌ها و تغییرات و نوسازی‌های غیراصیل اعمال شده از بالا در شرایط گذار بین سنت و مدرنیته قرار گرفته و با مسئله‌ی آنومی یا نابسامانی روبرو شده‌اند. شکاف روزافزون بین بخش‌های رسمی و غیررسمی جامعه و نبود یا ضعف نهادهای مستقل تنظیم‌کننده‌ی این رابطه ضمن این‌که ملت‌ها و دولت‌ها را بر ضرورت تشکیل و توسعه‌ی نهادهای مستقل آگاه کرده است، آنها

1. Trans National Corporation (TNCs).
2. Sustainable Development
3. Green Peace
4. Friends of Earth
5. Fabig

را در برابر این سؤال نیز قرار داده که در شرایط موجود، نهادهای مستقل از جمله انجمن‌های علمی دارای چه ویژگی‌ها و جایگاه و نقشی می‌توانند باشند؟ در فرایند شکل‌گیری و تحقق ویژگی‌های آن‌ها و دستیابی به جایگاه و نقش مناسبی که دارند با چه مشکلات و محدودیت‌هایی روبرو هستند؟

با توجه به ضعف وفاق بین نخبگان دولتی و غیردولتی و بین نخبگان و مردم بر سر ویژگی‌ها، جایگاه و نقش نهادهای مستقل در جامعه‌ی در حال‌گذار ایران، مطالعه و تحقیق درباره‌ی نهادهای مستقل به‌ویژه انجمن‌های علمی ضرورت و اهمیت نظری و عملی (علمی و اجتماعی) قابل توجهی دارد.

در این مقاله سعی شده است ضمن ایجاد تمایز بین نهادهای مستقل و سایر نهادهای رسمی و غیررسمی جامعه، جایگاه و نقش نهادهای مستقل به‌ویژه انجمن‌های علمی و کم‌وکیف عملکرد و موانع توسعه‌ی آن‌ها از جمله موانع سیاسی، دینی، قومی، نژادی، جنسیتی، فکری و... در هر یک از جوامع سرمایه‌داری، سوسیالیستی و جهان‌سومی با تأکید بر جامعه‌ی امروزی ایران توصیف و تبیین شود. در این زمینه کار علمی قابل توجهی صورت نگرفته است و به قول لستر سالامون^۱ «هنوز یک چارچوب نظری جامع ناظر به تبیین رابطه‌ی بین دولت و نهادهای مستقل ارائه نشده است و لذا حد و مرز این نهادها با دولت و سایر نهادهای جامعه روشن نیست» (کاستون^۲، ۱۹۹۸: ۳۵۸). بنابراین در این جا سعی می‌شود با جمع‌بندی نتایج روزآمد به برخی از ابهامات و پرسش‌های مطرح شده پاسخ داده شود.

هر نهاد یا انجمن برای این‌که تولید و رهبری علمی و صنفی رشته‌ی تخصصی خود را بر عهده بگیرد باید در متشکل کردن اصحاب هر تخصص در قالب نهاد یا انجمن و ایجاد تعامل علمی و صنفی بین اعضا در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی در دو محور زیر کوشا باشد:

۱. اهداف علمی-رشته‌ای^۳

۱-۱. تقویت علمی-انتقادی در محیطی آزاد، خردمندانه و به دور از سلطه.

۲-۱. پژوهش، تولید و خلق اندیشه.

۳-۱. برگزاری همایش‌های تخصصی و تبادل اطلاعات تولید شده.

۴-۱. چاپ و انتشار مجلات علمی و ذخیره‌ی اطلاعات.

1. Lester Salamon

2. Coston

3. scientific disciplinary goals

- ۵-۱. بازنگری برنامه‌های آموزشی و تقویت محتوای آن‌ها.
 - ۶-۱. آموزش و ترویج یافته‌های علمی.
 - ۷-۱. آموزش و تربیت محققان (متخصص و متعهد).
- ۲. اهداف حرفه‌ای^۱**
- ۱-۲. تنظیم اصول و قواعد عمل جمعی یا اخلاق کار و فعالیت در هر حوزه‌ی تخصصی.
 - ۲-۲. تشکیل گروه‌ها و کمیته‌های تخصصی.
 - ۳-۲. تنظیم تعامل اعضا با بخش‌های رسمی و غیررسمی.
 - ۴-۲. تعیین معیارهای ارزیابی فعالیت‌های علمی (آموزشی-پژوهشی) در حوزه‌ی تخصصی مربوطه.
 - ۵-۲. نظارت بر کم‌وکیف اعضا و مراکز ذیربط.
 - ۶-۲. اجتماعی کردن دانش علمی، طرح مسایل حوزه‌ی تخصصی، تبیین آن‌ها و ارائه‌ی راهکارها.
 - ۷-۲. جلب مشارکت‌های جمعی در فرایند توسعه.
 - ۸-۲. ترکیب و تلفیق علم و عمل، فرهنگ و اجتماع، فهم مشترک و عمل جمعی عام.
- هر نهاد یا انجمن علمی برای ایفای وظایف فوق در جهت تحقق اهداف مورد بحث نیازمند منابع و امکانات زیر است:
- نیروی انسانی علمی-تخصصی و اداری.
 - سازمان علمی مبتنی بر اصول و قواعد عمل جمعی عام.
 - سازمان و تشکیلات اجرایی.
 - امکانات سخت‌افزاری نظیر ساختمان، ابزار و لوازم کار.
 - بودجه و اعتبارات مالی لازم.
- کم‌وکیف عملکرد هر نهاد یا انجمن علمی به چند عامل اساسی ذیل بستگی دارد:

۱. جایگاه یا الگوی ارتباطی نهاد یا انجمن علمی در جامعه

در این زمینه با الگوهای ارتباطی عدیده‌ای سر و کار داریم که اهم آن‌ها را می‌توان در جدول شماره‌ی ۱ (صفحه‌ی ۵۲) خلاصه کرد. این الگوها در ارزیابی الگوهای موجود و انتخاب الگوهای مطلوب به ما کمک می‌کنند (کاستون، ۱۹۹۸: ۳۶۱).

1. professional goals

جدول ۱. انواع الگوهای ارتباطی (تعاملی) بین انجمن‌های علمی و دولت

ردیف	انواع الگو	۱. سرکوب Repression	۲. هم‌چشمی Rivalry	۳. رقابت Competition	۴. قرارداد Contraction	۵. رکن سومی Thirdparty	۶. همیاری Cooperation	۷. همکاری Collaboration	۸. مکمل Complementarity
۱	ویژگی‌های عمده‌ی هر الگو امتناع دولت از ارائه‌ی خدمات حمایتی به نهادها	*							
۲	اعمال سیاست‌های نامناسب دولت علیه نهادها	*	*						
۳	فقدان ارتباط متقابل بین دولت و نهادهای مستقل	*	*	*					
۴	مقاومت دولت در برابر تکثرگرایی نهادی	*	*	*					
۵	رابطه‌ی یک‌طرفه به نفع دولت	*	*	*	*				
۶	تمایل دولت برای به تأخیر انداختن خدمات اجتماعی		*						
۷	امکان رابطه‌ی دوجانبه		*						
۸	تلقی دولت از نهادهای مستقل به عنوان رقیب			*					
۹	تقسیم کار براساس منافع نسبی دوطرف				*	*			
۱۰	رابطه به نفع دولت توأم با افزایش نفوذ نهادهای مستقل				*	*			
۱۱	پیوند بین دولت و نهادها				*	*	*		
۱۲	پذیرش تکثرگرایی نهادی				*	*	*	*	*
۱۳	افزایش توجه مثبت به نهادهای مستقل					*			
۱۴	وابستگی پیدا کردن سیاست دولت به نهادها					*			
۱۵	سیاست بی‌طرفانه دولت					*	*		
۱۶	سهیم شدن در اطلاعات						*	*	
۱۷	روابط متقابل بین دولت و نهادها						*	*	
۱۸	سهیم شدن در منابع						*	*	
۱۹	فعالیت‌های مشترک، منافع متقابل						*	*	
۲۰	مشارکت در برنامه‌ریزی و اجرا						*	*	
۲۱	شراکت در تولید و تبادل اطلاعات						*	*	
۲۲	استقلال نهادها					*			*
۲۳	تقسیم نقش‌های مشروع و شناخته‌شده به صورتی مکمل					*			*
۲۴	افزایش کارایی طرفین					*			*

۲. نوع و ویژگی‌های نهاد یا انجمن علمی

در هر جامعه‌ای با انواع و گونه‌های متفاوتی از نهادها و انجمن‌های علمی سروکار داریم که اگر از وجوه افتراق آن‌ها صرف‌نظر کنیم می‌توانیم با عمده‌کردن وجوه اشتراک به برخی ویژگی‌های عام آن‌ها به شرح زیر اشاره کنیم (کاستون، ۱۹۹۸: ۳۸۲-۳۵۸؛ فیشر^۱؛ ۱۹۹۷؛ فاینگ، ۱۹۹۹):

- ۱-۲. استقلال و خودمختاری یا غیروابسته بودن به دولت^۲.
- ۲-۲. خوداتکایی^۳.
- ۳-۲. خودبسندگی^۴.
- ۴-۲. دموکراتیک بودن - دارای جایگاه، پایگاه و خصلت مردمی.
- ۵-۲. نوعی تجمیع دموکراتیک هنرمندانه مورد توجه الکسیس دو توکویل.
- ۶-۲. غیر بوروکراتیک بودن.
- ۷-۲. باز به روی تجربه و نوآوری.
- ۸-۲. انعطاف‌پذیری به‌ویژه در ارتباط با شرایط اجتماعی و تطابق با خواست‌های مردمی.
- ۹-۲. کارآمدی و مؤثر بودن در جلب مشارکت مردمی و توسعه.
- ۱۰-۲. تعامل با هم در هم‌هی سطوح محلی، ملی و حتی بین‌المللی در قالب جامعه‌ی مدنی.

۳. نوع و ویژگی‌های جامعه و نظام اجتماعی که نهاد یا انجمن علمی در آن شکل گرفته است

در این جا هم با انجام نوعی گونه‌شناسی عام می‌توان گفت که ما با سه نوع جامعه سروکار داریم:

دسته‌ی اول: جوامع سرمایه‌داری صنعتی توسعه‌یافته که در آن‌ها با توجه به اصل پذیرش تکثر نهادی، نهادها و انجمن‌های علمی از قدمت، جایگاه و نقش نهادینه‌ی برخوردارند. به عنوان نمونه با بررسی تحولات انجمن جامعه‌شناسی آمریکا می‌توان چنین نتیجه گرفت که این انجمن در سال ۱۹۱۵ نخست تحت عنوان جامعه^۵ و بعداً انجمن جامعه‌شناسی آمریکا^۶ فعالیت خود را آغاز کرد. این انجمن ابتدا با تأکید بر جنبه‌ی علمی، توسط نخبگان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های برتر آمریکا اداره می‌شد، ولی به تدریج تحت تأثیر تحولات اجتماعی دچار تفاوت‌پذیری‌های ساختاری و کارکردی شد. در داخل انجمن بخش‌ها یا

1. Fisher
3. self reliance
5. society

2. autonomous - (NGO)
4. self sufficient
6. ASA

گروه‌های تخصصی‌تری ایجاد شد و افراد هم‌تخصص توانستند در قالب گروه‌های تخصصی، تعاملات تخصصی‌تر، عمیق‌تر و پربارتری داشته باشند و در انجام پروژه‌های تخصصی و پاسخ به نیازهای تخصصی جامعه، نقش فعال‌تری ایفا نمایند. این انجمن که مستقل از دولت است با جذب بیش از دوازده هزار عضو دارای مدرک دکترا توانسته است در قالب نوعی الگوی ارتباطی مکمل با دولت، تولید و رهبری علمی-تخصصی رشته‌ی جامعه‌شناسی را در دست بگیرد و از طریق انجام پژوهش‌ها و برگزاری همایش‌ها و چاپ و انتشار آثار و مجلات علمی-پژوهشی و تنظیم اصول و قواعد عمل جمعی یا اخلاق کار و نظارت دقیق بر کم و کیف امور تخصصی مربوط به جامعه‌شناسی در پیشبرد این رشته‌ی علمی نقش فعالی ایفا نماید. دولت و انجمن جامعه‌شناسی آمریکا هر دو ضمن هماهنگی امور با یکدیگر خود را با شرایط و تحولات جدید آمریکا و جهان تطابق داده و توانسته‌اند خود را با مقتضیات روزآمد و جهان هماهنگ سازند. در آمریکا ارتباط میان بخش‌های رسمی و غیررسمی، یعنی مردم و دولت به صورت غیرمستقیم و از طریق نهادها و انجمن‌های ذریبط صورت می‌گیرد. بنابراین نهادها و انجمن‌های علمی در تنظیم و تعدیل این تعاملات نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. در این کشور، نه دولت و نه مردم، نمی‌توانند بدون هماهنگی با انجمن جامعه‌شناسی آمریکا درباره‌ی این رشته‌ی علمی تصمیم‌گیری نمایند. این الگوی ارتباطی بین انجمن‌های علمی و دولت که بر اساس نوعی تقسیم کار مبتنی بر توانایی و تخصص شکل گرفته است زمینه را برای افزایش کار انجمن‌های علمی با حفظ استقلال فراهم آورده است. در این الگوی ارتباطی، انجمن‌ها در انجام پژوهش و تولید و خلق اندیشه و ترویج آن، و دولت در تأمین منابع مالی و تجهیزات مورد نیاز آن‌ها نقش فعال دارند (سیمپسون^۱، ۱۹۹۴: ۲۵۹).

دسته‌ی دوم: جوامع سوسیالیستی هستند که در آن‌ها تکثر نهادی مورد پذیرش نیست و لذا نهادهای مستقل از دولت به رسمیت شناخته نمی‌شوند. میرسکایا^۲ در بررسی وضعیت نهادها و انجمن‌های علمی در شوروی سابق به این نتیجه رسیده است که آکادمی علوم تیلور وضعیت علمی در شوروی بوده و مرکز نخبگان علمی و پژوهش‌های ملی را تشکیل می‌داده است. این آکادمی کاملاً وابسته به دولت و حمایت رهبران سیاسی بوده است. در حالی‌که در اروپا علم نوین در ارتباط با صنعت و شرایط فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خاص تکامل یافت و با ایفای نقشی مؤثر در توسعه‌ی جامعه بر اعتبار خود افزود، این امر در جامعه‌ی شوروی اتفاق نیفتاد. علم در شوروی فرزندخوانده‌ای بود که هر آن امکان داشت با مشت و لگد از پنجره‌ی

1. Simpson

2. Mirskaya

منزل به بیرون انداخته شود، یعنی با جامعه‌ی شوروی پیوندی ارگانیک پیدا نکرده بود. بنابراین موقعیتی تثبیت یافته و نهادی شده نداشت و دانشمندان با فرهنگ شوروی بیگانه بودند. آکادمی علوم یک بخش جدا افتاده و غیر ارگانیک بود که تحت سلطه‌ی حکومت قرار داشت و از این نظر با سایر بخش‌های وابسته به دولت فرقی نمی‌کرد.

در سال ۱۹۹۲ متعاقب آزاد شدن قیمت‌ها و تورم شدید، آکادمی علوم دچار بحران شد. به طوری که مسئولان آن باید بین پرداخت هزینه‌ی برق و حقوق کارکنان یکی را انتخاب می‌کردند. با پرداخت حقوق و قطع برق کار آکادمی نیز تعطیل می‌شد و این امر تا زمان خصوصی‌سازی آکادمی ادامه یافت.

در نظرسنجی از اعضای آکادمی مشخص شد که کارکنان کیفیت پژوهش را فقیر ارزیابی می‌کنند. با این‌که علاقه به تحقیق و ادامه‌ی کار بسیار قوی بود ولی امکانات لازم برای این امر فراهم نبود. در سال ۱۹۹۴ متوسط دریافتی اعضای آکادمی بین ۳۷ تا ۸۵ دلار آمریکا بود. اغلب کارکنان آکادمی خواهان انجام اصلاحات جدی و مشخص شدن سرنوشت و آینده خود و آکادمی شدند (میرسکایا، ۱۹۹۵: ۷۵۲-۷۰۵).

در جوامع سوسیالیستی دولت خود را جایگزین نهادهای مستقل کرده است. بنابراین روابط دولت و مردم یک رابطه‌ی مستقیم است و مردم تابع دولت‌اند. سرنوشت علم و نهادهای علمی به دولت وابسته است و لذا با تغییر و تحولات سیاسی نهادها و انجمن‌های علمی وابسته به آن نیز دچار تغییر و تحول و بحران می‌شوند و آینده‌ای مبهم و نامشخص دارند.

دسته‌ی سوم: جوامع در حال توسعه‌ی موسوم به جهان سوم یا پیرامونی‌اند که اغلب با مسئله‌ی آنومی یا نابسامانی روبرو هستند. در این جوامع سلطه‌ی اجتماع و نظم انتظامی مبتنی بر تشابه‌پذیری در شیوه‌های احساس، اندیشه و عمل و سیطره‌ی سیاست بر سایر حوزه‌های حیات اجتماعی باعث شده است که نهادهای نوین به‌ویژه انجمن‌های علمی نتوانند مستقل از کنترل دولت جایگاه و نقش حقیقی خود را پیدا کنند. در برخی از این کشورها حرکت‌هایی در جهت اعتلای کیفیت علمی و تحقیقاتی کشور صورت گرفته است ولی هنوز به الگویی مشخص و مستقل دست نیافته‌اند که در آن برای نهادها و انجمن‌های علمی جایگاه و نقش مستقلی منظور نمایند. بیش‌تر برنامه‌ها و فعالیت‌ها به وسیله‌ی دولت‌ها صورت می‌گیرد و دولت‌ها نه خود در ساماندهی امر توسعه موفق بوده‌اند و نه به مردم فرصت داده‌اند تا در قالب نهادهای مستقل در تعیین سرنوشت خویش مشارکتی فعال داشته باشند. در مکزیک دولت برای تربیت دانشمندان

راه‌های متعددی را به صورت آزمایشی دنبال کرد که هیچ‌کدام موفق نبود (فورتس^۱، ۱۹۹۴). شکست این راه‌ها بیانگر آن بود که هیچ دولتی نمی‌تواند بدون مشارکت جدی مردم به امر توسعه دست یابد. در شیلی هم دولت سعی کرده است از طریق ارتباط با نخبگان، مسایل علمی کشور را حل و فصل نماید ولی در عمل موفق نشده است و بسیاری از جوانان و گروه‌های ناراضی از وضع علمی موجود کشور راه مهاجرت را در پیش گرفته‌اند (استریتن^۲، ۱۹۸۸: ۴). دولت‌های جهان سوم، هم در عرصه‌ی مقابله با نفوذ و سیطره‌ی شرکت‌های فراملیتی و هم در زمینه‌ی انجام راهکارهای علمی و تخصصی شکست خورده‌اند. به قول ادواردز دولت‌ها برای کارهای بزرگ، بسیار کوچک و برای کارهای کوچک، بسیار بزرگ‌اند (ادواردز^۳، ۱۹۹۹: ۱۱۹). درابک^۴ در بحث از آلترناتیوهای توسعه در جهان سوم این سؤال را مطرح می‌کند که چرا دولت‌ها در امر توسعه موفق نبوده‌اند؟ چرا شکست‌های مداوم خود را تکرار کرده‌اند؟ آیا بهتر نیست که به نهادهای مستقل توجه بیش‌تری معطوف شود و دولت و مردم رابطه‌ی خود را با یکدیگر در قالب آن‌ها تنظیم نمایند؟ (۱۹۸۷).

در بین کشورهای جهان سوم شاید هندوستان از لحاظ پذیرش تکثر نهادی و سامان بخشیدن به نهادها و انجمن‌های علمی تا حدی موفق‌تر از بقیه باشد (شوارتزمن^۵، ۱۹۹۱). ولی در اغلب کشورهای جهان سوم هنوز دولت‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای در تعیین سرنوشت مردم دارند. اصل تکثر نهادی به صورتی حقیقی مورد پذیرش نیست و نهادهای مستقل به صورتی جدی به بازی گرفته نمی‌شوند. دولت‌ها سعی دارند به جای تقسیم کار تخصصی و نهادمندسازی الگوهای ارتباطی تکمیلی، نهادها را به خود وابسته کنند. این امر ضمن این‌که مشروعیت مردمی نهادهای مستقل را زیر سؤال می‌برد، آنان را از جلب مشارکت مردمی باز می‌دارد و دولت‌ها هم خود نمی‌توانند مستقل از مردم و نهادهای مستقل آنان به اهداف توسعه در همه‌ی زمینه‌ها، به‌ویژه در عرصه‌ی علمی و فنی، دست یابند.

۴. نوع و ویژگی‌های جامعه و نظم جهانی

پارادایم نولیبرالیسم غالب بر نظم نوین سرمایه‌داری جهانی عرصه را برای رشد و گسترش شرکت‌های فراملیتی فراهم کرده است. عملکرد نامطلوب این شرکت‌ها و توانایی آن‌ها در تطمیع و دور زدن دولت‌های محلی مردم را نسبت به این شرکت‌ها و دولت‌های همدست آن‌ها بدبین

1. Fortes
3. Edwardz
5. Schwartzman

2. Streeten
4. Drabek

کرده است. مردم برای مقابله با نفوذ آن‌ها به تشکیل انواع نهادهای مستقل زیست‌محیطی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و عضویت در آن‌ها روی آورده‌اند. این امر باعث شده است که روز به روز بر تعداد این نهادها و اعضای آن‌ها افزوده شود. این وضعیت بیانگر آن است که در آینده نهادهای مستقل در قالب جامعه‌ی مدنی در حیات اجتماعی ملت‌ها جایگاه و نقش تعیین‌کننده‌ای پیدا خواهند کرد. ارتباط کم و کیف عملکرد نهادها و انجمن‌های علمی با هر یک از موارد پیش گفته را می‌توان در قالب مدل‌های شان ۲ و ۱-۲ جامع به شرح زیر ترسیم نمود:

ویژگی‌ها، جایگاه و نقش نهادها و انجمن‌های علمی در ایران

۱. هستی‌شناسی

وضع موجود انجمن‌های علمی (جایگاه و نقش آن‌ها) در نظام علمی و تحقیقاتی کشور چگونه است و چرا؟
در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت که انجمن‌های علمی هنوز با اهداف استراتژیک خود بسیار فاصله دارند و عملکرد یا نقش علمی و صنفی آن‌ها بسیار ضعیف است.
در تحلیل این وضعیت با توجه به مدل نظری مطرح شده می‌توان به شرایط عمومی زیر اشاره کرد:

۱. نامناسب بودن جایگاه آن‌ها در ساختار علمی و تحقیقاتی کشور.
۲. ویژگی‌های ساختاری خود این انجمن‌ها از جمله قلت اعضا، ضعف مشارکت جمعی اعضا، ضعف توان پژوهشی، ابهام در تقسیمات حرفه‌ای و مشخص نبودن کمیته‌ها یا گروه‌های تخصصی، ضعف تعامل بین اصحاب هر تخصص، ابهام در اصول و قواعد عمل جمعی یا اخلاق حرفه‌ای، نفوذ و دخالت افراد وابسته به جریان‌های سیاسی و ایدئولوژیک، ضعف سازمان‌داری و اجرایی، مشکلات جا و مکان، کمبود ابزار و لوازم کار و قلت بودجه و اعتبارات.
۳. ناهماهنگی و شکاف بین بخش رسمی و بخش غیررسمی.
۴. مسایل و موانع فرهنگی-ضعف خردگرایی و میزان تولید و تبادل اطلاعات.
۵. مسایل و موانع اجتماعی-عدم انسجام و همبستگی اجتماعی عام.
۶. مسایل و موانع سیاسی-تمرکز قدرت، سلطه‌ی سیاسی و ضعف مشارکت‌های مردمی.
۷. مسایل و موانع اقتصادی-نابرابری‌های فضایی، بخشی و اجتماعی.
۸. مسایل و موانع بین‌المللی-موقعیت کشور در ساختار بین‌المللی.

۲. چارچوب مفهومی عام ناظر بر تحلیل جایگاه و نقش نهادها و انجمن‌های علمی در جوامع امروزی



۱-۲. عملکرد یا نتیجه احتمالی تعامل بین نهادهای علمی و دولت

هر دو

۲. هدف شناسی

- وضع مطلوب (جایگاه و نقش مطلوب) نهادها و انجمن‌های علمی در نظام علمی و تحقیقاتی کشور چگونه باید باشد؟
- در این جا می‌توان با توجه به تجارب جوامع مختلف و نتایج حاصل از مطالعات تطبیقی مربوط به نهادها و انجمن‌های علمی وضع مطلوب آن‌ها را به شرح زیر تشریح نمود:
- با تولید و ترویج اندیشه در جهت پیشبرد رشته‌ی علمی خود همت گمارند.
 - اصول و قواعد عمل جمعی رشته‌ی علمی خود را تنظیم و اعمال نمایند.
 - معیارهای ارزشیابی فعالیت‌های علمی و انتخاب آثار محققان برجسته را تعیین کنند و بر کم‌وکیف عملکرد افراد و مراکز ذیربط نظارت داشته باشند.
 - از امکانات و تسهیلات مناسب با اهداف و وظایف خود برخوردار باشند.
 - مکان مناسب، ابزار و لوازم کار و بودجه و اعتبارات مالی کافی در اختیار داشته باشند.
 - روابط آن‌ها با بخش‌های رسمی و غیررسمی، رابطه‌ای تکمیلی و مبتنی بر تفکیک وظایف و تفاوت‌پذیری در قالب نظامی ارگانیک باشد.
 - از ویژگی‌های علمی چون استقلال، خوداتکایی و خودبستگی برخوردار باشند.

- محل و واسطه‌ی اصلی تعامل بخش‌های رسمی و غیررسمی قرار گیرند و تنظیم‌کننده‌ی دو بخش فوق باشند.
- در همه‌ی سطوح محلی-ملی و بین‌المللی شبکه‌ی تعامل میان اعضا و میان انجمن‌ها حفظ و تقویت شود.
- تولید و رهبری پیشرفت رشته‌ی علمی خود را در پیوند با توسعه‌ی جامعه‌ی خویش در دست گیرند.

۳. امکان‌شناسی

- برای گذار از وضع موجود و رسیدن به وضع مطلوب با چه مقدمات و محدودیت‌هایی روبرو هستیم؟ و چه باید کرد؟
- در این جا به برخی سیاست‌ها و راهکارهای عملی و اجرایی عدیده‌ای اشاره می‌شود که اعمال هر یک از آن‌ها می‌تواند در تحقق وضع مطلوب به‌طور نسبی مؤثر واقع شود.

۳-۱. سیاست‌ها

۱. اعمال سیاست تکثر نهادی در نظام علمی و تحقیقاتی کشور و قبول این اصل که در نظام مزبور عناصر چندگانه‌ای شامل بخش‌های رسمی و غیررسمی، دانشگاه‌ها و نهادها و انجمن‌های علمی درگیرند که از لحاظ ساختاری و کارکردی مکمل یکدیگرند، هیچ یک را نمی‌توان حذف یا جایگزین دیگری کرد.
۲. بنابراین تعامل بین عناصر چندگانه یک امر اجتناب‌ناپذیر است و کم و کیف عملکرد نظام علمی و تحقیقاتی کشور تابع نوع و ویژگی‌های هر یک از عناصر چندگانه و الگوی تعاملی آن‌ها در قالب نظام و محیطی است که این نظام در بطن آن فعالیت دارد.
۳. نهادها و انجمن‌های علمی نقطه‌ی مرکزی و تعادل‌بخش عناصر نظام علمی و تحقیقاتی کشورند. زیرا آن‌ها تعامل عناصر رسمی و غیررسمی را تنظیم می‌کنند یعنی تعامل آن‌ها با یکدیگر با واسطه و از طریق این نهادها و انجمن‌ها صورت می‌گیرد. بنابراین فقدان نهادها و انجمن‌های علمی یا ضعف آن‌ها موجب ادغام یا تداخل دو بخش رسمی و غیررسمی و سلطه‌ی یکی بر دیگری خواهد شد و این اصلی‌ترین مسئله یا مشکل نظام تحقیقاتی کشورهای سوسیالیستی و کشورهای جهان سوم است. کشورهای در حال توسعه از لحاظ رابطه‌ی بین بخش‌های رسمی و غیررسمی مرتباً دچار افراط و تفریط می‌شوند. گاهی به دولتی کردن امور و گاه به آزادسازی و خصوصی‌سازی روی می‌آورند. بنابراین اگر نهادها و انجمن‌های علمی به آن

درجه از رشد و تکامل برسند که بتوانند تعامل بین دو بخش رسمی و غیررسمی را تنظیم و متعادل نمایند می‌توان گفت که نظام علمی و تحقیقاتی از تعادلی پویا برخوردار است.

۴. تقویت امکانات و رفع موانع موجود بر سر راه نهادها و انجمن‌های علمی باید در صدر برنامه‌های علمی و تحقیقاتی کشور قرار گیرد.

۳-۲. راهکارهای عملی و اجرایی

۱. انجام مطالعات و تحقیقات تطبیقی برای شناختن جایگاه و نقش نهادها و انجمن‌های علمی در کشورهای مختلف و ارزیابی نقاط ضعف و قوت و بهره‌گیری از آن‌ها در طراحی مناسب‌ترین الگوی ارتباطی بین انجمن‌های علمی و سایر عناصر چندگانه‌ی نظام علمی و تحقیقاتی کشور، به‌ویژه دولت.
۲. تعیین و تنظیم اهداف استراتژیک علمی و حرفه‌ای هر یک از نهادها و انجمن‌های علمی از طریق گفت‌وگو و وفاق تفاهمی بین اعضای آن‌ها.
۳. تعیین و تنظیم سیاست‌ها و راهکارهای مناسب برای تحقق اهداف استراتژیک انجمن‌ها از طریق تحقیق و گفت‌وگوی درون‌نهادی.
۴. تعیین اصول و قواعد عمل جمعی-اخلاقی حرفه‌ای و نظارت بر حسن اجرای آن‌ها در بخش‌های رسمی و غیررسمی.
۵. تعیین جایگاه و نقش هر یک از عناصر چندگانه‌ی نظام علمی و تحقیقاتی کشور بر اساس تقسیم کار و تفکیک وظایف مبتنی بر تخصص و توانایی هر عنصر از طریق گفت‌وگو بین نمایندگان عناصر چندگانه و تصویب قوانین و مقررات لازم برای نهادمند کردن آن‌ها، در این مورد معمولاً انجمن‌های علمی نقش تخصصی پژوهش و تولید اندیشه و دولت‌ها نقش تأمین منابع و امکانات را بر عهده می‌گیرند.
۶. تثبیت جایگاه واسطه‌ای نهادها و انجمن‌های علمی در تنظیم روابط بین عناصر نظام علمی و تحقیقاتی کشور.
۷. تنظیم و تعدیل تعامل اصحاب اندیشه با بخش‌های رسمی و غیررسمی جامعه در جهت تقویت استقلال نسبی و پیش‌گیری از وابستگی‌ها و گسستگی‌ها.
۸. تقویت کم‌وکیف تعامل اعضای هر انجمن در جهت رسیدن به همفکری و همدلی در مورد اصول و قواعد عمل جمعی عام و همسویی و همکاری در راه تحقق اهداف جمعی عام.
۹. تعریض و تحکیم تعامل میان انجمن‌های علمی مشابه در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی.

۱۰. تعریض و تحکیم تعامل میان انجمن‌های غیرمشابه در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی و تقویت اتحادیه‌های علمی.
۱۱. تلاش انجمن‌ها در حفظ و تقویت ویژگی‌های ذاتی خود مثل خودمختاری یا استقلال، خوداتکایی، خودبسندگی و...
۱۲. ایجاد فرصت برابر برای اعضای هر انجمن در دستیابی و بهره‌مندی از نتایج حاصل از کار و فعالیت جمعی اعضا و عملکرد انجمن.
۱۳. تقویت و تعمیم ارتباطات الکترونیکی بین انجمن‌ها و اعضای آن‌ها.
۱۴. افزایش کم‌وکیف کمک‌های دولت به انجمن‌ها برای اجرای برنامه‌های علمی و صنفی آن‌ها.

منابع

- Irwin, A (1995), *Citizen Science*, Rutledge, London and N.Y.
- Alexander, J. Civil Society I, II, III: "Construction an Empricial Concept from Normative Controversies and Historical Transformation. " *In Real Civil Society*, Sage Publication, 1998.
- Alexander, J. (1998), *Real Civil Societies*, Sage Publication.
- Coston J. M (1998). "A Model and Typology of Government-NGO Relationships". *Non Profit and Voluntary Sector Quarterly*, Vol. 27 ISS 3, PP. 358-382.
- Fisher W.F (1997). "Doing Good? The Politics and Antipolitics of NGO Practices". *Annual Review of Anthropology*, Vol 26, PP. 439-464.
- Fabig H. Boele R. (1999). "The Changing Nature of NGO Activity in Globalising World-Pushing the Corporate Responsibility Agenda". *Institute of Development Studies (IDS) Bulletin* Vol. 30 ISS 3, PP. 58.
- Edward, Michael (1994). NGOs and the Age of Information. *IDS Bulletin* Vol. 25, No 2.
- Streeten, Paul (1987). "The Contribution of Non-governmental Organization to Development". *Development Seeds of Change*/1988. PP. 4.
- Drabek, Anne Gordon (1987). "Development Alternatives: The Challenge for NGOs-An Overview of the ISSUES". *World Development*. Vol. 15.
- Fox Thomas H. (1987). "NGOs from the United States". *World Development* Vol. 15.
- Simpson, H. (1994). "The Transformaion of the American Sociological Association". *Sociological Forum* Vol. 9. No 2, PP. 258-278.
- Mirskaya, E.Z. (1995). "Russian Academic Science Today: Its Societal Standing and the

- Situation within the Scientific Community". *Social Studies of Science*. Vol 25 ISS 4, PP. 705-725.
- Vessuri, H. (1996). "Becoming a Scientist in Mexico. The Challenge of Creating a Scientific Community in an Under Developed Country". *Social Studies of Science* Vol. 26 ISS 1, PP. 186-191.
- Edward, Michael (1999). NGO Performance-What Breeds Success. New Evidence from South Asia. *World Development*, Vol. 27, ISS 2.
- Saavedra, F. (1993). "Size & Aging of the scientific community in Chile" *Scientometrics*. Vol. 27. No 2, PP. 105-117.

منصوری، رضا، توسعه‌ی علمی ایران، تهران، مؤسسه‌ی علمی ایران، مرکز انتشارات کمیسیون ملی یونسکو در ایران، ۱۳۷۳.

* * *

محمد عبداللهی عضو علمی گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، مدیر سابق گروه جامعه‌شناسی دانشگاه و رئیس فعلی انجمن جامعه‌شناسی ایران است.

